



## بررسی لالایی های مادرانه در ادبیات کرد کلهر

۱

ناهید همتی

عضو گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

DOI:

بهرواری وه‌رگرن: ۲۰۲۵/۵/۱۰

بهرواری قبول: ۲۰۲۵/۸/۱۷

صفحات: ۱۳۵-۱۵۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۲۶

### چکیده

ادبیات عامیانه (فولکلور) هر کشوری شاخه ای از درخت تنومند ادبیات و فرهنگ ملی آن کشور است و پیکره ی اصلی فرهنگ و ادبیات هر ملتی متشکل از ادبیات قومی، محلی و عامیانه می باشد که در این میان ادبیات و فرهنگ قوم کلهر، به عنوان فرهنگی غنی و ارزشمند که یادگاری از گذشتگان است، درخور توجه می باشد و با عنایت به اهمیت لالایی و تأثیر آن بر روح و روان مادر و کودک و نقش آن در ادبیات قومی و ملی، نگارنده بر آن شده است تا در این مقاله به مبحث لالایی کودکان در ادبیات قوم کلهر و چرایی و چگونگی و کاربرد آن بپردازد، زیرا سروده های عامیانه و لالایی ها سرآغازی بر ادبیات بوده و می توان آن را به عنوان دستاورد ادبی مردمان گذشته دانست؛ که با سرودن آنها اولین ارتباط عاطفی با کودک برقرار شده و منعکس کننده ی فرهنگ قومی و گفته و ناگفته های فراوانی از زندگی خانوادگی آنان می باشد و تنها ابزاری برای خواباندن کودکان نبوده، بلکه عامل انتقال فرهنگ و احساسات عمیق انسانی است و نتایج پژوهش ضمن تاکید لالایی ها بر روابط عاطفی، ما را به اندیشه و افکار و باورها و اعتقادات و فرهنگ این قوم و ادبیات آنان آشنا ساخته و به

اهداف و علل سرایش لالایی ها واقف می گرداند. پژوهش به صورت میدانی و کتابخانه ای انجام شده است.

**کلید واژه ها:** لالایی، کرد کلهر، ادبیات کودکان، فرهنگ عامیانه، ادبیات شفاهی

**لیکولینه و هیک له خهوتی دایکان له ئهده بی کوردیدا له نووسینی کهلهور**

**ناهید هیممه تی**

ئه ندامی بهشی زمان و ئهده بی فارسی، لقی سنه، زانکۆی نازادی ئیسلامی، سنه، ئیران  
فۆلکلۆری ههر و لاتیک لقیکه له درهختی بههیزی ئهدهب و کولتووری نهتهوویی ئه و لاته و جهستهی  
سهرهکی فرههنگ و ئهده بی ههر نهتهوویهک له ئهده بیاتی نهتهوویی و ناوخۆیی و فۆلکلۆر پینکدیت. له  
نیواندا ئهدهب و فرههنگی خه لکی کهلهور، وهک کولتووریکه دهوله مهند و بهنرخ که ناسه واریکه  
رابدووه، جینگای سهرنجه. نووسهر به له بهرچا و گرتی گرنگی خهوتن و کاریگهری له سهر رۆح و میشکی  
دایک و مندال و پۆلی له ئهده بیاتی نهتهوویی و نهتهوویی، بریاری داوه بابهتی خهوتنی مندالان له ئهده بیاتی  
که له هۆردا و بۆچی و چۆن و چۆنیهتی به کارهینانیان بخاته پوو، چونکه گۆرانی و خهوتنه فۆلکلۆرییه کان  
سهره تای شیعرن و ده توانریت وهک دهستکهوتیکه ئهده بی خه لکی کهلهور هه ژمار بکریت رابدوو؛  
به ناوازدانانیان، یه کهم په یوهندی سۆزداری له گه ل منداله که دا داده مه زریت و رهنگدانه وهی کولتوری نهتهوویی  
و زۆر شتی وترا و نه گوترا و ده بیت له سهر ژبانی خیزانه که یان. تهنها نامرازیک نییه بۆ خهوتنی مندالان،  
به لکو هۆکاریکه بۆ گواسته وهی کولتوور و ههستی قوولی مرؤف. نهنجامی توژی نه وه که، و پرای  
جه ختکردنه وه له گۆرانییهکانی خهوتن له سهر په یوهندییه سۆزداریهکان، به ره و بیرکردنه وه و بیرۆکه و  
بیروباوه پرمان ده بات و بیروباوه و کولتووری ئه م گه له و ئهده بیاته که یان ده ناسینیت و ناگاداریان ده کات له  
ئامانج و هۆکارهکانی ئاماده کردنی گۆرانییهکانی خهوتن. توژی نه وه که له مهیدان و له کتیبخانه دا ئه نجامدراوه.  
**وشه ی سهره کی:** لوله بی، کورد کهلهور، ئهده بی مندالان، پۆشنیری فۆلکلۆر، ئهده بی زا ره کی.

۱-مقدمه

درخت پر بار و تنومند فرهنگ و ادبیات ایران زمین، قدمتی به بلندای تاریخ کهن ایرانی و ادبیات غنی این مرز و بوم دارد و کندوکاو در راستای یکی از شاخه های ارزشمند آن یعنی «لالایی» می تواند انسان را به دنیای رویایی و شیرین کودکان روانه سازد. در

واقع لالایی ها بخشی از ادبیات شفاهی ملت ها است و هیچ مادری برای خواندنش به نوشته ای متوسل نمی شود و شاید از سوابق آن اشعار هم خبری نداشته باشند، اماگویی خداوند سبحان، هنر سرودن این اشعار را در وجود مادر سرشته است و این نغمه از روز نخست برایش، سهل و روان می باشد. دیلا سائته نیز که از محققان ادبیات کودکان است، وجود معنوی در این نغمه آسمانی را تایید می کند و نگاهی جدی به سهم ادبیات عامیانه و تاثیر فراوان آن بر مانده های معنوی کودکان دارد: « شعر و کلام منظوم از اولین مانده های معنوی کودکان بوده است و اطفالی که بدون شعر بزرگ می شوند، از لحاظ معنوی، فقیرتر از خرد سالانی هستند که حتی در گهواره از چشمه لایزال شعر سیراب نشده اند». (سهراب مافی، ۱۳۷۲: ۲۰۸)

با تعمق و جستجویی اندک، می توان دریافت که ایران در داشتن قصه ها و اشعار و ترانه های عامیانه بسیار غنی و پر مایه می باشد و همه ی این قصه ها و اشعار و ترانه ها، بخشی از فرهنگ عامیانه ی مردم است؛ که نویسنده کتاب «پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران آورده است: فرهنگ مردم (فولکلور - Folklore) جهان بینی روانشناسی و اندیشه توده مردم درباره فلسفه دین، علم، نهادهای اجتماعی و آیین گذار است و در برگیرنده جشن ها، شعرها، ترانه ها، افسانه ها و تمام هنرهای عامیانه است. » (بیهقی، ۱۳۵۶: ۱۹)

## ۲- بیان مساله

قدمت لالایی ها به تاریخ بشریت برمی گردد. چون لالایی با ایجاد آرامش و ایجاد حس امنیت در کودکان، یک نیاز غریزی و دیرینه بشری بوده است. حتی در زمان انسان های اولیه نیز، زنان و مادران برای فرزندان دلبند خود زمزمه های لالایی ها سروده اند. به

عبارتی دیگر باید اذعان داشت که لالایی‌ها از قدیمی‌ترین اشکال موسیقی و شعر شفاهی هستند که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند. اما با گذشت زمان و شکل‌گیری تمدن‌های مختلف شکل و محتوایشان متفاوت و متنوع شده و در تمام کشورهای جهان مرسوم بوده و اروپاییان مضامین لالایی هایشان مذهبی و مردم مشرق زمین با آرزوهای خوب برای فرزندان و حتی توصیفات مظاهر طبیعی و دعا و... پرداخته اند.

به جرات می‌توان گفت که برای کودک هیچ شعر و موسیقی دل‌انگیزتر از لالایی مادر نیست. زیرا آن چنان که از متن اشعار عاطفی و زیبای لالایی بر می‌آید، نوای عاشقانه‌ای است که زمزمه‌های احساسی آن طوری بر زبان مادر جاری می‌شود که نه تنها موسیقی کلام سحرانگیز او آرامش را به کودک هدیه می‌دهد، بلکه روح و وجود طفل را در نوردیده و او را به خوابی آرام و عمیق راهی می‌سازد. طبق تحقیقات کارشناسان، تاثیر لالایی بر روح و روان کودک آنقدر زیاد است که باعث کاهش ضربان قلب و دمای بدن شده و بسیار موثرتر از هر درمان پزشکی می‌باشد و حتی تأثیرات ماندگاری بر رشد روانشناختی و عاطفی کودکان داشته و به تقویت پیوند عاطفی کودک و تنظیم هیجانات و کاهش استرس او انجامیده و به تسهیل خوابش کمک نموده و نقش موثری در انتقال فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی را دارد و علاوه بر آن رشد زبان را، تسریع می‌کند و به تقویت پیوند بین والدین و فرزند و ارتباط عاطفی و حتی بهبود روابط اجتماعی می‌پردازد.

به بیانی دیگر مطالعه آداب و سنتها و جشنها مذهبی و ملی و عقاید و قصه‌ها و اشعار لالایی‌های مردمان و اقوام مختلف می‌تواند ما را به احوال و افکار و ذوق و هنر و روحیات آنان آشنا ساخته و به نکات دقیق و ظریف ادبی، اخلاقی و اجتماعی و نوع اندیشه‌های آنها راه یابیم. زیرا فرهنگ عامیانه یا فولکلور، بیان‌کننده زوایای پیچیده

و تاریخ فرهنگ مردمان است که یقیناً تبیین آنها، نه تنها می تواند اندیشه های مردمان را به همدیگر بنمایاند، بلکه ارتباطی عمیق و تنگاتنگ را در بین آنها فراهم نماید. اشعار عامیانه و لالایی ها و ترانه ها عموماً از دل مردمانی عامی که هیچگاه ادعای شاعری نداشته، برخاسته است و این اشعار در هر شکلی و نوعی که باشد؛ آینه ای تمام نما از روح و اندیشه ی بی زنگار ملتها و احساسات پاک و عاطفی آنهاست. آینه هایی پاک و صیقل یافته، که منعکس کننده ی فرهنگ قومی و گفته و ناگفته های فراوانی از زندگی خانوادگی آنان می باشد و برآستی که تعمق در معنی ابیات و ترانه ها (لالایی ها) ما را به این نتیجه می رساند که متن ترانه یک دیالوگ کاملاً طبیعی و معمولی بین سراینده و محیط پیرامون است؛ زیرا آنها همیشه جزئی از فرهنگ شفاهی بوده و فی البداهه سروده می شده و به صورت مکتوب ثبت نشده و در واقع میراثی غنی از گذشته بشریت اند که نقش حیاتی در رشد و تکامل کودکان ایفا می کنند، این میراث ارزشمند یک آهنگ آرامش بخش است که برای خواباندن کودک استفاده می شود و اشعارش ریشه های تاریخی متفاوتی دارند.

«لالایی ها، موسیقی مشترک تمامی زنان است و همه آنها بالهجه های مختص به خود منعکس کننده ی فرهنگ بومی و قومی خود می باشند به بیان دیگر هر قومی خالق آهنگهای بومی و فولکلوریک خاص خود است.» (مصطفی رسول، ۱۳۷۹: ۶۱) و در واقع محتوای لالایی ها متناسب با ساختار قومیتها، نژادها و فرهنگ متغیر می باشند و این نغمه های زنانه را نمی شود به هیچ دوره ای از تاریخ نسبت داد، اما ریشه در فرهنگ و خاک دارد و از بطن دل مردم سرچشمه می گیرد. با توجه به ارتباط ریشه ای است که ادبیات بخشی از فرهنگ محسوب می شود، مارکسیم گورکی می گوید: «ادبیات ریشه در فرهنگ عامه دارد.» (آژند، ۱۳۸۰: ۳۶۲) و به همین دلیل در الفاظ و

بیان لالایی مادران معمولاً به غیر از طبیعت، دامداری و کشاورزی مطالب دیگری چون سلامتی فرزند پیوندهای عاطفی بین زن و شوهر غم از دست دادن پدرومادر، شغل موقعیتهای جغرافیایی و شهر و خانه کودک و غم مهجوری آرزوهای دور و دراز برای سعادت فرزند امیدواری، حسرت، و... وجود دارد و هر قوم و منطقه ایی، لالاییهای خاص خود را دارد که گاه به زبان محلی، گاه ترکیبی از شعر و دعا و گاه بیانگر آرزوهای مادر برای آینده فرزندش هستند و حتی بیان لالاییها، برای زنان این امکان را فراهم ساخته که به بیان اعتراض به مسایل موجود و شرایط خود و به طور غیر مستقیم به بیان خواستههای خودش بپردازند و لب به سخن بکشایند و گاه براساس اعتقادات خود نه تنها برای کودک، بلکه برای دوشیدن شیر حیوانات و برای مشک زنی هم لالاییهایی دارند تا شیرشان بیشتر شود و حیوان با آنها احساس غریبی نکند.

مه شکه به ژه نیه له که ره ی چل چل

ئاو ئه راد که یه ره م له که یه نی بل بل

ترجمه: ای مشک کف کن از کره ریز ریزی که مانند گل شکفته شده باشد و از چشمه

ی بلبل برایت آب می آورم

گونه د په ر باید، بایه گه م پر که ترجمه: بستانهایت پر از شیر باد قابلمه ام را از

شیر پر کن

مانگه ی خوه می خوه م دوشه مه د قه مشی نیه که م به فروشه مه د

ترجمه: گاو خودم هستی و خودم تو را میدوشم، دلم نمی آید که تو را بفروشم

سه ر جه لوکی شه گاگانه می روین ده ره س که ر باوانه می

ترجمه: سر جلودار گاوهایم هستی و سازنده ی روغن خانواده پدریم می باشی.

در همین راستا بی جهت نیست اگر بگوییم که فرهنگ عامه و از جمله لالایی ها، آینه شفافی هستند که باورهای قومی و مذهبی، و اعتقادات و سنت ها و ... در آن بازتاب داشته و ریسمانی است که حامل آرمان ها و آرزوهای صادقانه و بی وسواس مادر است و تکان های همواره گاهواره بر آن توازن و تکرار را رقم می زند. این آرزوها آنچنان بی تشویش و ساده بیان می شوند که ذهن شنونده در اینکه آنها آرزو هستند یا واقعیت، مجاللی برای پردازش و تحلیلش نمی یابد .

سرزمین ایران، در داشتن قصه ها و اشعار عامیانه بسیار پر مایه است و بعضی از این بن مایه ها و اشعار، قصه های بومی را نیز شامل می شود. « ایرانیان ترانه های محلی و عامیانه را از مهد تا لحد و از گهواره تا گور می شنوند و همراه آنان است. اصول فولکلور و فرهنگ عامه مردم همچنان که سرآغاز پیدایش همه ی هنرهایت، سرآغاز ادبیات و به خصوص ادبیات کودکان نیز هست. لالائی ملتها، ترانه های کودکان، افسانه های خردسالان، داستانهای حماسی، عاشقانه و اسطوره که همه زائیده ی تخیل و تفکر مردم اعصار مختلف هستند، بنیاد و اساسی ادبیات کودکان را تشکیل می دهند و مجموعه هایی که در طی زمانی بس طویل، سینه به سینه به سلهای بعدی منتقل شده است و می شود، اثر روانی و تربیتی عمیقی بر کودک و نوجوان باقی می گذارد». (آژند ، ۱۳۸۰: ۳۱۸) و بر همین اساس است که کودک در دوران جنین بودنش نیز با نواها و ضربان قلب مادر الفتی برقرار می نماید که بعد از تولد نیز تنها با نوای دلنشین او به خواب شیرین می رود و پیوند غیر قابل وصف احساسی اش را با فرشته مهربانی خود مستحکم می نماید. «حس هنر و زیبایی در انحصار طبقات عالی و تربیت شده نیست، نابغه های ساده ای نیز وجود دارند که در محیط های ابتدایی تولد یافته و احساسات خود را بی تکلف و تشبیهات ساده به شکل آهنگ و ترانه های عامیانه بیان می کنند

گاهی به قدری ماهرانه از عهده این کار برمی آیند که اثر آنها جاودانه می شود . « (هدایت، ۱۳۷۹: ۳۸۹-۳۹۰) و بسیاری لالایی را چون ریسمان احساس بین مادر و کودک می دانند که در بردارنده ی محبت‌های مادرانه و آرمان‌های آرزوهای معصومانه ای است که اشعار آن‌ها، هاله ای از رنگ‌های زیبا و رنگارنگ را به آرزوی مادر می زند و مادر را در رویاهای زیبایش غرق می کند بطوری که مادر نه تنها طفل شیر خواره اش را می خواباند بلکه در رویاهای خود کودک را روانه بلکه روانه مدرسه کرده و فرزند نیز با نمره های عالی و بیست به خانه بر می گردد.

لاوه لاوه گه م ، لاوه م هه ریه سه

روله ی نازارم بچوده مه دره سه

ترجمه: لالایی برای می گویم و لالایی ام این است که فرزند عزیزم به مدرسه برود.

کوره م چوده مه دره سه

گول کیه رید ده سه ده سه

ترجمه: پسر م به مدرسه می رود و دسته دسته گل به خانه می آورد.

البته لالایی‌های اقوام مختلف (کردی و فارسی و ترکی و...) مضامین متنوعی دارند که در اکثر آنها، مادر آرزوهای متعددی را کبرای دل‌بندش بر می شمارد و برای تحقق آنها دعا می کند و به توصیف زیبایی‌های کودک می پردازد و صادقانه به بیان دغدغه‌ها و دردها و رنج‌ها و گله از روزگار خود و... می پردازد. مثلاً مادر کرد کلهر، دغدغه جدایی از فرزندش را چنین بیان می کند و او را به گلهای خوشبوی نعنای تشبیه می کند و رفتن فرزندش را تنهایی می داند:

لاوه لاوه گه م ئه ی گول نانا

له لام نه چیدن م بومه ته نیا

ای گل نعنعايم ، لالایی برایت می گویم از کنارم نرو چون با رفتنت من تنها می شوم.  
 لاوه لاوه گه م لاوانه مه سه د  
 وه زوان شیرین خه فانه سه د  
 ترجمه: برایت لالایی می گویم و با حرفهای شیرین تو را خوابانده ام.

### ۳-پیشینه

پژوهش هایی در مورد لالایی ها و علل و عوامل آن در ایران صورت گرفته ، اما به طور خاص پژوهشی در مورد لالایی در قوم کرد کلهر انجام نشده است . و به مواردی از پژوهش های انجام شده ، اشاره می شود :

عمرانی (۱۳۸۱) در کتابی با عنوان «برداشتی از لالیهای ایران» مضامین لالایی ها را با تأکید بر چند داستان خاص بررسی کرده است .

صفی زاده، فاروق، (۱۳۷۹) در مقاله نگاهی به ادبیات کودک و نوجوان در تاریخ ادبیات کردی (بوره که بی) به معرفی تعدادی از شاعران کرد پرداخته است .

ولی زاده، آذر، (۱۳۸۶) مقاله ایی در مورد «ادبیات فولکلور در قالب آوازه های کردی جنوبی» ارائه نموده است .

احمد پناهی، محمد (۱۳۸۳) در کتاب ترانه و ترانه سرایی در ایران، به گردآوری ترانه های اقوام مختلف ایران، پرداخته و در چاپ بعدی گوشه های پنهان فرهنگ و سنن ایرانیان را بازنمایی کرده است .

رحمان مشتاق مهر، آمینه فیضی (۱۳۹۹) در مقاله ایی با عنوان سیمای جامعه کرد در لالایی های کردی محورهای موضوعی : زبان، گویش ها و ادبیات کردی و لکی به به شیوه تحلیل محتوایی، سیمای جامعه و فرهنگ مردم پرداخته است .

سعیدی و قائدی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان نگاهی به لالایی در ادبیات عامیانه مردم لامرد مضامینی را در مورد گله های مادر و آرزوهای مادران و ... آورده است. جمالی ابراهیم (۱۳۸۷) در کتاب خود با عنوان «لالایی در فرهنگ مردم ایران به ساختار، کارکرد و مضمون لالایی ها اشاره کرده و مضامین لالایی ها را در سه دسته آورده است.

حسن لی (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان «لالایی های مخملین نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی های ایرانی» مضامین لالایی ها را شامل آرزوها و دردها و رنج ها و خستگی هایی مادرو... زن معرفی نموده است.

وجدانی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «لالایی موسیقی نقش آن در انتقال فرهنگ شفاهی» به نقش مادران در انتقال فرهنگ شفاهی به نوزادان و مفاهیم موجود در لالایی ها پرداخته است. امید که دانش پژوهان و دانشجویان به این موضوعات نیز توجهی جدی نمایند تا فرهنگ و ادبیات اقوام به فراموشی سپرده نشود.

#### ۴- تجزیه و تحلیل

مردم کرد منطقه کلهر، در زبان کردی به لالایی، لاله لاله می گویند و معمولاً نوزادان را در گاپاره (گهواره) می خوابانند و برای خواباندن کودک از لالایی استفاده می کنند که و یعقوب آژند بر این باور است که: «لالایی ها نخستین چیزی است که یک کودک می شنود». در فرهنگهای معین، دهخدا و برهان قاطع و فرهنگ بزرگ سخن نیز لالایی به همین معانی خواباندن کودک در گهواره آمده است که به دلیل مشابهت از ذکر آنها خوداری می گردد

عباس یمنی شریف نیز در خصوص لالایی چنین نوشته است که « لالایی از انواع شعر کودکان است و اولین شعرهایی هستند که فقط به خاطر آهنگ و موسیقی برای

کودکان خوانده می شوند. لالایی ارتباط عاطفی را از طریق آهنگ بین مادر و کودک برقرار می کند و به او آرامش می بخشد و گوش او را برای پذیرش آهنگ و موسیقی آماده می کند». (سهراب مافی، ۱۳۷۲: ۱۸ تا ۳۰) بنابراین اشعار ادبیات عامیانه، معرف روحیات و افکار توده مردم بوده و از نیازهای روزمره و فعالیت زندگی آنان سرچشمه گرفته و در قالبهای مختلف شعر و قصه و ترانه و لالایی با کلمات ساده و بی پیرایه بر زبان آنها جاری می گردد. در این راستا سعید عبادتیان از شاعران معاصر کرد کلهر، در شعری تحت عنوان:

گاپاره ی ئه زره ته یلم/له ریو تاش به رز تیوشی گه وو/وه تال باریکی به نه/وا گاپاره  
شه که نه و/واران لاوه لاوه که ر/وه مه ل سونز لانه و ریزینگ/ئه را گاپاره ی ئه زره  
ته یلم/سیوه تگ سیوه تگ ئه رمس رشی نید

گهواره آرزوهایم/از روی صخره ی بلند خیلی تیزی/به یک رشته باریکی وصل  
است/باد تکان دهنده ی گهواره است/و باران لالایی می خواند/و پرنده ی سبز  
سرگردانی/برای گهواره ی آرزوهایم/شروشر اشک می ریزد.

قوم کلهر نیز از جمله مردمان ایرانی و کردی می باشند که زنانی بسیار با عطوفت و مهربان و سخت کوش و فداکار و دلسوز دارد، زنانی که لالایی هایشان دارای ویژگی های بی نظیری است و با وجود سرشار از عاطفه خود، با لهجه کلهری، آرزوهایشان را در قالب رویاهای معصومانه بیان می کنند و در اینجا بی جهت نیست که برای آشنایی با قوم کلهر، به توضیحاتی مختصر در مورد لفظ کلهر و ایل کلهر که از ایلهای بزرگ غرب کشور است، پرداخته شود. «کلهر Kalhor» کلمه ای است که «Kal» آن به معنی نوعی بز کوهی است. بعضی ها نیز معتقدند که کلمه «کلهر» کنایه از چست و چالاکی مردم این ایل در راه رفتن و کار جنگی است، از این رو کرد کلهر به بز کوهی

که از صخره ایی به صخره ایی دیگر پرد و می دود تشبیه شده است». (تلخیص از چرداخیل چول، ص ۵، ۴) «ایل کلهر از ایلهای بزرگ غرب کشور است و دارای تیره های مختلف است و در کتاب چادر نشینان و طایفه های عشایری آمده است. ایل کلهر مشتمل بر ۳۱ تیره است.» (سلطانی، ج ۱، ۱۳۷۰: ۲۸۹) آن گونه که از کتاب جغرافیای تاریخی و مفصل کرمانشاهان استنباط می شود «تیره های مختلف کلهر در استانهای کرمانشاه کردستان، ایلام، قم، قزوین ساکن می باشند». (همان: ۵۰۹-۵۱۲) «قوم کلهر یکی از اقوام اصیل و صدرصد ایرانی است و در هیچ دوره ایی از تاریخ طولانی خود هرگز از ایران جدا نبوده بلکه بارها مرکز و محور موجودیت کشور ایران نیز بوده است.» (رضایی، ۱۳۷۸، ۷۰)

در گویش کلهر، بیشتر اشعار لالایی مادران در توصیف فرزندان پسر می باشد که  
آرزوی داماد

شدن را از همان بدو تولد و کودکی برای کودکشان در سر می پروراند و داشتن  
پسربرایشان بسیار مهم است.

لاوه لاهه که م ، لاهه م به ربارید

خوه م بوم وه پاوه یو کوره م زن بارید

ترجمه: امیدوارم لالایی ام به ثمر بنشیند و خودم ساقدوش شوم و پسر م زن بگیرد.

دیگر این که در اشعار لالایی کلهری بیشتر به توصیف خود کودک گاهی اوقات پدر و  
عموماً دایی و خاله و اقوام مادری پرداخته می شود و کمتر سروده ای در مورد خانواده  
پدری ، طفل می باشد.

هه ر که خوش والی خالود ته رام بارید

جفتی گاده م وه پی ریحان بکالید

ترجمه: هر کس مژدگانی سلامتی داییت را برایم بیاورد، دو راس گاو را به عنوان هدیه به او می دهم تا بتواند ریحان کشت کند.

مادر کرد همیشه توصیفی از خانواده خود دارد و هیچ گاه از خانواده پدری نامی برده نمی شود و به نحوی شجاعت دایی کودک، توسط مادر سروده می شود:

خالود کوش تیه که له نوبه نی

ته لار خه سی یه ئه و دار وه نی

ترجمه: داییت بز کوهی نه ساله ایی را شکار کرده است و بساط شکارش را به درخت ونی آویزان نموده است.

مهمترین بخش لالایی همان آهنگ لالایی است که برای کودک حائز اهمیت می باشد و اگر چه چیزی از اشعار لالایی را درک نمی کند، اما زمزمه گیرای مادر برای کودک خوشایند و دلنشین است و خوش صدایی و عدم صوت زیبای لالایی برای کودک مهم نیست. زیرا او بسیار راحت با آن نوا پیوندی عاطفی برقرار می کند؛ زیرا که کودک آرامش خود را از نغمه مهربان و عاطفی و آسمانی مادر دریافت می کند و به خوابی شیرین و رویایی فرو می رود، نغمه ایی که از صمیم دل است و کودک با شنیدنش امنیت را احساس می کند و مادر نیز در موقع سرودن آن لب به اعتراف می گشاید:

لاوه لاهه گه م لاوان مه سه د

وه دیده و وه دل خه فان مه سه د

ترجمه: لالالالا، برایت لالایی می گویم و با دیده و دل با تمام وجود و از صمیم دل ترا خوابانده ام

اگرچه بسیاری از لالایی های زنان کرد در خصوص شکوه و شکایت و سرزنش و ناکامی و است؛ اما زمزمه آهنگین و گاه محزون مادر که در قالب اشعار و گوهرهای

ناب لالایی، برزبان او جاری می گردد؛ آن چنان بر قلب نازک و مهربان کودک نقش آفرینی می کند که می توان تلالوی درخشش آن گوهرها را در کنار گهواره کودک نظاره گر بود، زیرا آن اشعار سرشار از عاطفه و مهر مادری گاهی با مروارید اشک نیز صیقل می خورد و این هنگامی است که مادر در کنار فرزندش، از غمها و نگرانی ها و سختی ها و بی وفایی ها و به بن بست رسیدن ها ، لب به شکوه می گشاید و آن را بهانه ای برای درد دل کردن با فرزندش می داند.

لاوه لاوه که م هه رت به سه می

له ناو ئی دو نیا کولی که سه می

ترجمه: برایت لالایی میگویم و تو به تنهایی برایم کافی هستی و در این دنیا همه کسم می باشی.

اما در اکثر اوقات نیز رد پای تعریف و تمجید ، ستایش کودک و تصورات مادر در راستای زندگی آینده او بسیار پررنگ جلوه می کند، بطوری که مادر در آن اشعار و لالایی ها از چشم انتظاران سعادت موفقیت، سلامتی کودک می باشد. به عنوان مثال به ذکر نمونه هایی از این دست حائز اهمیت است.

یاد آوری می شود که لالایی ها که مختص اقوام مختلف کرد بلوچ در آذری و فارسی و..... دیگر نقاط ایران است هر کدام با گویش محلی فرد به نگهداری زبان مادری کمک می کند و خواندن آنها با همان گویش و واژگان و اصطلاحات حال و هوایی دیگر و شوری نشاط برانگیز دارد که ممکن است برگرداندن آنها به زبانی دیگر نتواند چنان شوری را در وجود انسان فراهم کند، که در اینجا مجالی برای بحث در مورد لالایی سایر اقوام نیست. اما مادر با احساس کرد، در لالایی کردی اش زیبایی ها و شیرین زبانی ها

وقهقهه های مستانه کودک خود را چنین بیان می کند:

وه فه دای ده مه گه د ده م خوده نیه

له گوله گان به هار هی چی که م نیه

ترجمه: به فدای دهانت که نمی شود به آن دهان گفت؛ زیرا از گلهای بهاری هیچی کم ندارد.

لاوه لاوه گه م له ئی واره وه

خه په خه پد که ید له گا پاره وه

ترجمه: لالایی برایت می گویم و از غروب تا حالا صدای قهقهه های مستانه ات از گهواره به گوش می رسد.

ئه لالا بکه ید له ناو گاپاره

خوه م نراد سی نم جف تی گوش پاره

ترجمه: اگر در گهواره ات لالا کنی برایت جفتی گوشواره می خرم

و هر گاه به یار و درد غمهایش می افتد، سریعاً نوای او محزون شده و غم دلش را با زبان بی زبانی بیان می کند:

لاوه لاوه گه م که س دیارنی یه

که س له ده رد که س خه وار دارنی یه

ترجمه: لالالا، کسی نیست و هیچکس از دردهای دیگری خبری ندارد.

چاوه م چاوه ری ریه گه راده

زوانم ذکر ئه سه د ئاده

ترجمه: همیشه چشم هایم چشم براه توست و زبانم به دعاگویی تو مشغول می باشد.

آرزوی دامادی و عروسی کودکان از رویاهای مادران کرد است که با امید محقق شدن آنها اشعار زیر را بیان می کند:

هه ی مال هه ی مال ئاوا بیود  
وه جای سه مه کو زاوا بیود

ترجمه: امیدوارم این خانه آباد شود و جای رفت و آمدهای فراوان داماد شود. با عنایت به این امر که زن منشا عشق و محبت و از خود گذشتگی است نام گهواره در کنار زن و مادر قرار می گیرد. گهواره ای که اگر چه وسیله خواباندن است؛ اما کنارش محل جوشش سرچشمه های عشق و عواطف مادران است. نویسنده کتاب زنان ساسانی به زن نگاهی زیبا دارد که: «زن کانون الهام و سرچشمه جمیع پدیده های بدیع اندیشه های نوابغ جهان است تا آنجا که اگر زن نبود عشق نبود و اگر عشق نبود شعر و هنر نبود و اگر این دو نبودند اثری از عواطف عالی انسانی در جهان وجود نداشت. اوست که با دستی گهواره و با دستی دیگر دنیا را تکان می دهد». (عیسی زاده، ۱۳۸۷: ۷)

### ۵- نتیجه گیری

لالایی ها چون آتشکده های جاویدانی هستند که در وجود مادران ایرانی می باشند و میراثی ارزشمند و انتقال یافته از گذشتگان به ماست، که متأسفانه زرق و برق دنیای امروزی، ترنم و نغمه های زیبای لالایی (لاوه لاهه) (کردی) را در خود محو نموده، زیرا لالایی مادر با لهجه ی محلی مبین فرهنگ و فولکلور آن قوم محسوب می شوند و گویش و پیرایش به زبان مادری موجب غنای آن است. در بررسی های میدانی و کتابخانه ای به عمل آمده در این راستا، می توان دریافت که فرهنگ عامیانه، سرچشمه افکار توده ها و اندیشه ها و عواطف آنها و نتایج ذوق و روحیات درونی

مردمانی است و به مثابه گنجینه زوال ناپذیری می باشد که می توان آن را خاستگاه و شالوده الهامات بشری در زمینه ادبیات و هنر به حساب آورد و باید گفت که لالایی ها، از شاخه های ادبیات شفاهی و نغمه هایی آسمانی و عاطفی می باشند که آفریده ذهنی توده های مردمند و از طریق آن کودکان با مادر ارتباطی غیر قابل توصیف را برقرار می کنند و آرامش و امنیت خود را در سایه آن اشعار کسب می نمایند. این کلام منظوم (لالایی) برخاسته از صمیم دل مادران است و مخاطبانی ویژه دارد و کودکان و نوزادان مخاطبان مخصوص این نغمه ها هستند. باید توجه داشت که این نجوای مادرانه اگر چه در اغلب نقاط کشور با اختلاف گویشی همراه هستند، اما اکثراً از یک نظم واحد برخوردارند و هر قومی، لالایی را با شکل و گویشی مختص به خود برای کودکش زمزمه می کند. محتوای لالایی ها متناسب با ساختار قومیت ها و نژادها و فرهنگ هاست و آینه تمام نمایی از زندگی مردمان نقاط مختلف است که مادران نیازهای واقعی و اهداف و ارزشها و خواسته های خود را در قالب اشعاری توصیفی پندی دعایی گله و شکایت و امید و آرزو به آینده به کودکان منتقل می کنند و نقشی بسیار مهم، در اجتماعی شدن کودک را ایفا می نمایند. مادران دلسوز و مهربان و با عاطفه کرد کلهر نیز از این گونه لالایی های ارزشمندی برخوردار بوده و برخود می بالند و هنرمندانه و با آهنگی برخاسته از وجودشان، در انتقال مهر و محبت خود به کودکان اهتمام می ورزند و آنان نیز چون دیگر مادران، لالایی ها را بهانه ای برای اظهار روحیات درونی خود غم و شادی می دانند و کودک نیز در این لالایی ها احساس و عواطف مادر را همراهی می کند. شایان ذکر است که بیشتر لالایی ها، برای پسران سروده شده و برای دختران اندک است، چون داشتن پسر را موهبت الهی پنداشته و جنس مذکر را باعث شهرت و افتخار خانواده دانسته اند و سبب ارزشمندی

مادر نیز می شده و مادران از روی احساسی که به کودک پسر خو داشته اند، بسیاری از اشعار لالایی را، به نام کودک خود ثبت می کنند و رویاهای بزرگ مادر کرد در لابلای اشعارش جلوه گراست و اشعار آنها با امور روزانه شان پیوندی نا گسستنی دارد. در پایان مبحث به همه پژوهندگان ادبیات پیشنهاد می گردد که در روشن نگه داشتن اشعه های فروزنده ادبیات قومی ایران زمین، بیش از پیش توجه نمایند تا ما هم با عشق به میهن سهمی در پاسداری و انتقال آنها را به آیندگان داشته باشیم.

### منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۸۰)، ادبیات ایران از آغاز تا امروز، تهران: نشر گستره
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۵۶)، پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، انتشارات آستان قدس رضوی
- رضایی، ولی، چرداخیل چول (۱۳۷۸)، کرمانشاه: انتشارات طاق بستان
- سلطانی، محمد علی (۱۳۷۰)، جغرافیا تاریخی و مفصل کرمانشاهان، کرمانشاه: انتشارات شقایق
- سهراب مافی، معصومه (۱۳۷۲)، ۱۷ مقاله درباره ادبیات کودکان، تهران: ناشر شورای کتاب کودک
- عمرانی، سید ابراهیم (۱۳۸۱). لالائی های ایران (کرمان، فارس، خراسان، مازندران، آذربایجان)، تهران: پیوند نو.
- عیسی زاده، راضیه (۱۳۸۷)، زنان ساسانی، تهران: نشر موج
- محمدی، محمد هادی و قایینی، زهره (۱۳۸۰)، تاریخ ادبیات کودکان، تهران: نشر چیستا

مصطفی رسول، عزالدین (۱۳۷۹) پژوهشی در فولکلور کردی، عرفان صاحبی، ارومیه :

انتشارات صلاح الدین ایوبی

هدایت، صادق (۱۳۷۹) نوشته های پراکنده، نشر ثالث

احمد پناهی، محمد (۱۳۸۳)، ترانه و ترانه سرایی در ایران، تهران: سروش

جمالی، ابراهیم (۱۳۸۷) لالایی در فرهنگ مردم ایران، تهران: صدا و سیمای جمهوری

اسلامی ایران

حسن لی، کاووس (۱۳۸۲) لالایی های مخملین نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی

های ایرانی « مجله زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

سعیدی، عبدالرضا، قانیدی، حسین (۱۳۸۷) نگاهی به لالایی در ادبیات عامیانه ی مردم

لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی

صفی زاده، فاروق (۱۳۷۹)، نگاهی به ادبیات کودک و نوجوان در تاریخ ادبیات کردی

(بوره که بی)، شماره ۳۱، (از ۶ تا ۹)

وجدانی، بهروز؛ (۱۳۸۷)، لالایی، موسیقی نقش زن در انتقال فرهنگ شفاهی، شماره

۱۲۲، (از ۹۸ تا ۱۰۴)

ولی زاده، آذر، ۱۳۸۶ «ادبیات فولکلور در قالب آوازه های کردی جنوبی»، مریوان: زریبار

## **A Study of Maternal Lullabies in Kurdish Literature by Kalhor Nahid Hemmati**

Member of the Department of Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

### **Abstract**

Folk literature (folklore) of any country is a branch of the strong tree of national literature and culture of that country, and the main body of culture and literature of any nation consists of ethnic, local and folk literature. Among them, the literature and culture of the Kalhor people, as a rich and valuable culture that is a relic of the past, is

worthy of attention. Considering the importance of lullabies and their effect on the soul and mind of the mother and child and their role in ethnic and national literature, the author has decided to address the topic of children's lullabies in the literature of the Kalhor people and why, how and how it is used, because folk songs and lullabies are the beginning of poetry and can be considered as a literary achievement of the people of the past; by composing them, the first emotional connection is established with the child and reflects the ethnic culture and many things said and unsaid about their family life. It is not only a tool for putting children to sleep, but also a factor in transmitting culture and deep human feelings. The results of the research, while emphasizing lullabies on emotional relationships, make us think It introduces the thoughts, beliefs, and culture of this people and their literature, and makes them aware of the goals and reasons for composing lullabies. The research was conducted in the field and in the library.

**Keywords:** Lullaby, Kurd Kalhor, Children's Literature, Folk Culture, Oral Literature